

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ۱۳، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (صص ۹-۲۶)

ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا

نیلوفر باقرنیا^۲

محمد تقی‌زاده انصاری^۱

چکیده

هند و چین پس از تحول اساسی در سیاست خارجی خود، در راستای به‌دست‌آوردن پایه‌های جدید قدرت گام برداشته و خیزش دو قدرت زمینه‌های رقابت آن‌ها را در محیط‌های پیرامونشان به‌ویژه جنوب آسیا فراهم کرده است. اگرچه اکنون ماهیت این رقابت‌ها در حوزه رقابت‌های ژئواکونومی متمرکز است، اما تشدید این روندها می‌تواند رقابت‌های ژئوپلیتیک میان این بازیگران را نیز افزایش داده و آن‌ها را وادار به اتخاذ استراتژی‌های جدید در تعمیق پیوندهای استراتژیک با بازیگران منطقه‌ای کند. در این راستا، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش محوری است که ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا بر چه مبنایی است؟ نگارندگان بر این باورند که به‌دلیل رشد و توسعه چین، هند احساس تهدید کرده و در جست‌وجوی تقویت پیوندهایش با دیگر رقبای چین و شرکای خود است. هند که در همسایگی این کشور قرار داشته و به قدرت اقتصادی و توانایی‌های نظامی آن واقف است، گسترش نفوذ این کشور را تهدیدی علیه خود تلقی کرده و در واکنش به این کشور به برقراری ارتباط با کشورهایی روی آورده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، پاکستان، چین، موازنه تهدید، هند.

۱- مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، رقابت میان بازیگران با وجود یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، همواره امر مسلم نظام بین‌الملل کنونی بوده است؛ اما در قرن حاضر، به‌دلیل کمترشدن تدریجی نفوذ آمریکا و ظهور بازیگران جدید، نظام بین‌الملل شکل جدیدی به خود گرفته است. چین و هند نمونه‌ای از این

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: ansari@ihcs.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

بازیگران بوده که به سرعت در حال رشد و توسعه هستند و چین به دلیل دارا بودن صنایع عظیم اقتصادی و نظامی و نیروی انسانی بسیار، در حال حاضر به سرعت رو به پیشرفت بوده و با پروژه‌های مختلف خود از قبیل یک کمر بند-یک جاده، در تلاش برای مرتبط ساختن خود به مناطق مختلف است. این امر منجر به نگرانی هند و واکنش دهلی‌نو شده است. در این راستا در این مقاله در ابتدا رقابت دو کشور در حوزه‌های مختلف به‌ویژه افغانستان و پاکستان مورد بررسی قرار گرفته و در انتها واکنش هند به رشد نفوذ چین مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد.

۱-۱- بیان مسئله و سؤال تحقیق

رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا و مناطق مختلف یکی از واقعیات مسلم نظام کنونی است. دو کشور در جهت خنثی کردن اقدامات طرف مقابل، اقدام به گسترش ارتباطات با کشورهای دیگر کرده‌اند. چین که روزبه‌روز در حال افزایش نفوذ در مناطق مختلف است، واکنش هند را برانگیخته است. این احساس تهدید از سوی چین زمانی بیشتر شد که چین آغاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیم در پاکستان کرد. به این سو، از نظر هند، همکاری دو رقیب می‌تواند قدرت این کشور را تحت الشعاع قرار داده و رشد و توسعه آن را با دشواری مواجه سازد. همچنین افزایش همکاری دو کشور می‌تواند نیت تهاجمی آن‌ها را در صورت افزایش تنش‌ها تشدید کرده و منجر به حمله تهاجمی شود. بدین‌گونه با توجه به پرسش مطرح‌شده در این پژوهش به این صورت که ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا چه است؟ می‌توان گفت که واکنش‌های هند در قبال افزایش نفوذ چین، نشأت گرفته از احساس تهدید آن از چین بوده و هند در جهت متوازن کردن قدرت چین با ایجاد اصلاحاتی در سیاست خارجی و متنوع کردن روابط خود با کشورهای جنوب آسیا و قدرت‌های بزرگ و ایران برآمده است. هند همچنین در پی تحریم‌های اعمال‌شده از سوی ایالات متحده علیه ایران، در پی مذاکراتی با آن، معافیت‌هایی در جهت تداوم ارتباط با ایران کسب کرد که نشان از تلاش هند در جهت برقراری ارتباط گسترده با مناطق مختلف در جهت دفع قدرت چین و کاهش تهدید آن است.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

از آنجایی که منطقه جنوب آسیا از جمله مناطق بحران‌خیز است، رشد نفوذ هند و چین در این منطقه می‌تواند تأثیر بسزایی در این کشورها، به‌خصوص پاکستان یا افغانستان داشته باشد. این تأثیر در صورت تهاجمی بودن رقابت می‌تواند تأثیر منفی بر این کشورها داشته و رقابت سازنده

هند و چین می‌تواند منجر به رشد کشورهای این حوزه شود. در نتیجه تحلیل و واکاوی ماهیت رقابت هند و چین ضرورت داشته و هدف از پژوهش حاضر، تحلیل ماهیت این رقابت‌ها و بررسی چرایی رقابت هند و چین در منطقه جنوب آسیا است.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده و چارچوب استفاده‌شده در این پژوهش، موازنه تهدید است. دلیل انتخاب این تئوری، احساس تهدید هند از سوی چین و واکنش در قبال آن است که ماهیت رقابت دو کشور را نشان می‌دهد.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در خصوص رقابت هند و چین آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله مقاله «روابط هند و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک» نوشته اسداله کاوه و طاهره محمدی در سال ۱۳۹۷ که به جنبه‌های همکاری و رقابت دو کشور پرداخته شده؛ اما از چارچوب پژوهش حاضر استفاده نشده است.

مقاله دوم با عنوان «رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا» نوشته ماندانا تیشه‌یار، محمدجواد فتحی و مجید دشتگرد در سال ۱۳۹۷ است که با استفاده از مفهوم هژمونی و با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی، رقابت دو کشور را بررسی می‌کند؛ براین اساس چارچوب پژوهش حاضر با این مقاله متفاوت بوده است.

به‌طورکلی می‌توان گفت در خصوص هند و چین، مقالات بسیاری نوشته شده، اما کمتر به رقابت دو کشور در جنوب آسیا پرداخته شده است. همچنین در مقالات نوشته‌شده، تاکنون از چارچوب مقاله حاضر استفاده نشده و رقابت دو کشور در افغانستان و پاکستان به‌طور جامع مورد بررسی قرار نگرفته و این نشان از نوآوری پژوهش حاضر است.

۲- چارچوب نظری: موازنه تهدید

موازنه تهدید مفهومی است که «استفن والت» برای درک عمیق‌تر و علمی‌تر یا به تعبیر وی «پالایش و تهذیب» مفهوم سنتی «موازنه قوا» ارائه کرده است. وی با مطالعات خود در خصوص روند تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها در قرن بیستم و به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و دوم و همچنین دوران جنگ سرد، بر این باور است که دولت‌ها نه بر مبنای منطق توازن قوا، بلکه بر

مبنای توازن تهدید عمل می‌کنند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها در مقابل هر قدرتی به سیاست توازن قوا روی نمی‌آورند، بلکه در برابر کشوری که افزایش قدرت آن را تهدید می‌پندارد، موازنه‌سازی می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۴)؛ در واقع، دولت‌ها فقط زمانی واکنش نشان می‌دهند که احساس تهدید کنند و این واکنش اغلب به صورت توازن‌بخشی و جلوگیری از تهدید آن بازیگر است (Salavatian & et. al, 2015: 142-143). در حالت کلی تهدیدها را می‌توان براساس چهار شاخص اصلی زیر ارزیابی کرد:

قدرت یا توانایی‌ها: شامل جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و عوامل ژئوپلیتیک قدرت؛

مجاورت جغرافیایی؛

قدرت تهاجمی؛

نیات تهاجمی.

در مورد توانایی‌ها باید گفت که هرچه توانایی‌های کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت‌شده بیشتر است. در مورد معیارهای عمده‌ای که برای اندازه‌گیری توانمندی‌های یک کشور و مشخص کردن جایگاه او در سلسله‌مراتب قدرت استفاده می‌شود، می‌توان به میزان تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های نظامی اشاره کرد. مسئله بعدی نزدیکی جغرافیایی است. والت پتانسیل تهدیدزدایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند و معتقد است دولت‌های مجاور قادر به ایجاد تهدید بزرگ‌تری هستند. از نظر والت کشورها تهدید را هر اندازه نزدیک‌تر باشد به شکل بیشتر و بهتری درک می‌کنند. در زمینه توانایی‌های تهاجمی نیز باید گفت که بین نیات تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد. به این معنا که هرچه مقدار توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می‌یابد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۲۱). از دیدگاه والت هرگاه بازیگری درصدد گسترش قالب‌های دینی یا رهیافت‌های معطوف به تغییر وضع موجود باشد، آن‌گاه زمینه برای پیمان‌های عکس‌عملی در چارچوب موازنه تهدید حاصل می‌شود؛ بنابراین آنچه رویکرد معطوف به انقلابی‌گری تلقی می‌شود با واکنش‌های عکس‌عملی پیچیده و متنوع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی همراه خواهد بود (باقری و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۵)؛ به همین دلیل با توجه به این نظریه می‌توان گفت مجاورت جغرافیایی چین به هند، رویکرد تجدیدنظرطلبی چین و تلاش برای تغییر توازن قدرت با به‌چالش کشیدن قدرت کشورهای بزرگ یا روبه‌رشد از قبیل هند، قدرت روزافزون اقتصادی و

نظامی چین با راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی با اهداف اقتصادی و نظامی و در نهایت نفوذ در مناطق مختلف برای دستیابی به اهداف خود، همگی منجر به احساس تهدید هند از سوی چین شده و هند نیز در مقابل با تنوع‌بخشیدن به روابط خود با کشورهای همسایه و بزرگ در تلاش برای مهار این تهدید است. در ادامه اقداماتی که منجر به احساس تهدید هند از سوی چین شده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳- سیاست چین در جنوب آسیا

۳-۱- نفوذ چین در افغانستان

طی سال‌های اخیر روابط چین و افغانستان، پس از سی سال سیاست «صبر و انتظار چین» در چارچوب «رهیافت ژئوپلیتیک همسایگی» وارد دوره جدیدی شده است. این رهیافت چین، چهار ویژگی مهم سیاسی، استراتژیک، جغرافیایی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد و پکن امیدوار است در چارچوب این رهیافت بخشی از نگرانی‌های امنیتی-سیاسی و اقتصادی-تجاری خود را از ناحیه افغانستان برطرف کند (شفیعی و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۷۱). در ادامه به هرکدام از شاخص‌ها به‌طور خلاصه می‌پردازیم.

۳-۱-۱- تقویت روابط اقتصادی

در قرن بیست‌ویکم، چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان تبدیل شده است و در ۹ سال اول، حجم تجارت بین دو کشور از ۲۵ میلیون به ۲۵۰ میلیون رسیده است (Tahiri, 2017: 8). در واقع، در بُعد اقتصادی از یک سو افغانستان نگاه مثبت و راهبردی به تقویت انگیزه‌های اقتصادی پکن در جهت افزایش سرمایه‌گذاری در افغانستان دارد و صادرات به افغانستان، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های اقتصادی و وام‌های چین را بیشتر در قسمت زیرساخت‌ها، چون استخراج معادن در افغانستان تشویق کرده است (رمضانی بونش، ۱۳۹۴). در دسامبر ۲۰۱۱ نیز دو کشور قرارداد استخراج نفت آمودریا در شمال این کشور را به امضا رساندند که به مدت ۲۵ سال اعتبار دارد (شیرشهر و کوشان، ۱۳۹۵). حوزه آمودریا بیش از ۸۷ میلیون بشکه ذخایر نفت خام را در اختیار دارد؛ علاوه‌براین تخمین زده می‌شود بیش از ۱/۶ میلیون بشکه نفت خام، ۱۶ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی و ۵۰۰ میلیون بشکه گاز مایع در منطقه شمالی افغانستان وجود داشته باشد (شفیعی و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۴) و چین ۴۰۰ میلیون دلار برای استخراج نفت در این

نواحی سرمایه‌گذاری کرده است (Khan, 2015) و همچنین پیش‌بینی شده که دولت افغانستان از طریق این پروژه، سالانه ۳۰۴/۳۵ میلیون دلار به‌دست آورد (Tahiri, 2017: 8).

به‌علاوه در آگوست ۲۰۱۶ برای نخستین‌بار در تاریخ روابط چین و افغانستان، خط ریلی با هدف انتقال مستقیم کالاهای تجاری بین دو کشور در شهر هایمن ایالت جیانگسوی چین با حضور سفیر افغانستان در این کشور و شماری از تاجران افغان افتتاح شد (شفیعی و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۸۳). از طرف دیگر، چین در قالب طرح یک کمربند، به دنبال آن است افغانستان را به عنوان پل ارتباطی بین جنوب غربی و جنوب شرقی آسیا تبدیل کند. چین معتقد است افغانستان یک مسیر اقتصادی به آسیای مرکزی و یک مقصد مهم برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری است (شفیعی، صالحی، ۱۳۹۵: ۸۵). در نتیجه می‌توان گفت اهداف و منافع اقتصادی چین یکی از عواملی است که منجر به همکاری بیشتر چین با افغانستان و نفوذ در این کشور شده است.

۳-۱-۲- گسترش روابط امنیتی-نظامی: دستیابی به منافع مشترک

پس از تشکیل حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴، روابط و همکاری میان افغانستان و چین شاهد فصل جدیدی شد. این روابط تنها در همکاری‌های دوجانبه امنیتی خلاصه نشد، بلکه چین برای نخستین‌بار کمک‌های نظامی‌اش به افغانستان را اعلام کرد. در جریان دیدار رئیس‌جمهور «غنی» از چین، او و «شی جینگ‌پینگ» به اجماع مهمی دست یافتند که عبارت از مبارزه ضد حرکت اسلامی ترکستان شرقی بود. در راستای همین همکاری‌ها، افغانستان ۱۵ تروریست اویغور را که بازداشت کرده بود، در ماه فوریه سال ۲۰۱۵ به چین سپرد (ناظری، ۱۳۹۶: ۹).

درواقع تروریسم مسئله‌ای است که برای هر دو کشور چین و افغانستان تهدید محسوب می‌شود. مهم‌ترین ملاحظه امنیت ملی چین در سطح داخلی، موضوع «سین‌کیانگ» است. مجموعه اویغورنشین غرب چین با جمعیتی کمتر از ده درصد، یک‌چهارم این سرزمین را شامل می‌شود. جمعیتی که مهم‌ترین و شاید تنها بخش ناهمگون از جهت قومی و دینی با سایر بخش‌های این کشور است. در این راستا نزدیک‌شدن گروه‌های جدایی‌طلب و ناراضی موجود در این مناطق به سایر گروه‌های افراط‌گرا می‌تواند برای ایشان به‌مثابه بالارفتن سطح مخاطره باشد (نوروزی، ۱۳۹۵: ۳). به‌علاوه در سال گذشته رسانه‌های بسیاری به حضور نیروهایی از چین در بدنه داعش اشاره کرده‌اند و به اذعان مقامات بلندپایه چینی، شماری از مسلمانان چینی منطقه اویغور همراه

با نیروهای داعش در درگیری‌های سوریه و عراق می‌جنگند که این امر موجب نگرانی مقامات چین شده است. در این راستا نفوذ داعش در افغانستان، نگرانی امنیتی فزاینده‌ای را در چین سبب شده است تا مبادا عوامل این گروه راهی برای نفوذ به منطقه خودمختار «سین کیانگ» در غرب چین بیابند (رمضانی بونش، ۱۳۹۴: ۵). از این سو همکاری امنیتی و نظامی چین و افغانستان را می‌توان در راستای یکی دیگر از اولویت‌های چین در جهت رسیدن به منافع خود در راستای پیشرفت طرح‌های این کشور تلقی کرد.

۳-۱-۳- گسترش همکاری‌های سیاسی

از نظر سیاسی، روابط میان کابل و بیجینگ نشان می‌دهد که افغانستان به‌عنوان یک کشور مستقل می‌تواند با همه کشورهای جهان براساس مصالح ملی خود روابط سیاسی برقرار کند. در واقع چین در سیزده سال گذشته جایگاه آنچنانی در افغانستان نداشته است، اما در دوره کنونی در حال تبدیل شدن به یکی از بازیگران عمده سیاست در افغانستان و منطقه است (ناظری: ۱۳۹۶: ۵). در این بین، موفقیت چین در میانجی‌گری بین کابل و طالبان، می‌تواند پرستیژ سیاسی و نفوذ سیاسی چین را در افغانستان به‌عنوان بازیگر مهم افزایش دهد. در واقع چین تلاش می‌کند تا نفوذ گسترده در بین بدنه طالبان و رهبران آن داشته تا در زمان‌های مناسب از آن در جهت منافع خود بهره‌برد. رویکردهایی چون میانجی‌گری بین طالبان و دولت کابل، استفاده از نفوذ طالبان در امنیت‌سازی در مرزهای خود با افغانستان و مقابله با داعش یا حتی بهره‌گیری از توان طالبان در مقابل نفوذ بیشتر غرب و امریکا مدنظر چین بوده است (رمضانی بونش، ۱۳۹۴: ۲). در واقع می‌توان گفت همکاری سیاسی چین و افغانستان یکی دیگر از راه‌های نفوذ چین در افغانستان بوده که شکل‌دهنده روابطی فرای روابط اقتصادی است.

۳-۲- نفوذ چین در پاکستان

از دیرباز روابط چین و پاکستان متأثر از عوامل گوناگون، فراز و نشیب‌هایی داشته است. در ادامه شاخه‌های مختلف روابط دو کشور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱- تقویت روابط اقتصادی

دیپلماسی چین در ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بر روی شعار «یک کمربند و یک جاده» متمرکز شد که منجر به اهمیت یافتن کریدور اقتصادی شد. مقامات چینی معتقدند این کریدور ارتباط بین کمربند اقتصادی جاده ابریشم زمینی و جاده ابریشم دریایی را فراهم می‌کند. این کریدور اقتصادی متشکل از یک

حلقه انتقالی (بندر گوادر) و سه پایه خط لوله، بزرگراه و راه‌آهن است. بزرگراه قره‌قروم به طول ۱۳۰۰ کیلومتر از کاشی در چین به حسن ابدال در شمال‌غربی اسلام‌آباد از ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۸ ساخته شد. خط‌آهن کاشی-هاولیان که توسط شرکت چینی «فنگ‌دونگ» ساخته می‌شود و فاصله‌ای ۷۰۰ کیلومتری را از خونجراپ عبور کرده و به شبکه ریلی پاکستان در هاولیان نزدیک راولپندی وصل می‌شود. خط‌آهن کویت-قندهار می‌تواند نفت را از گوادر به سین‌کیانگ منتقل کند (گروه رصد، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵). کریدور اقتصادی تنها یک جاده محسوب نمی‌شود، بلکه سنگ بنای رشد اقتصادی منطقه را شامل می‌شود که مناطقی از قبیل آسیای مرکزی، جنوب آسیا، خاورمیانه، اروپا و آفریقا را به هم متصل خواهد کرد (Mustaf & Zafar, 2017: 50-61). همچنین توسعه اقتصادی پاکستان منجر به ثبات و جلوگیری از عواقب ریزش تروریست‌ها به چین شده و امن شدن مسیرهای مهم دریایی و منابع انرژی چین در تنگه هرمز و خلیج فارس می‌شود. در واقع این امر، این امکان را به چین می‌دهد که مکان‌های منابع انرژی خود را با دورزدن تأثیر منفی ایالات متحده و هند، متنوع سازد (Kabraji, 2012: 9). در ادامه به پروژه بندر گوادر نیز اشاره می‌شود.

۳-۲-۲- اهمیت بندر گوادر

بندر گوادر در جنوب پاکستان یکی از ارکان اصلی همکاری‌های اقتصادی چین و پاکستان است. این بندر به‌عنوان شاهراه ارتباطی به خلیج فارس اهمیت بسیار بالایی برای چینی‌ها دارد؛ زیرا این بندر نیازهای چین را در ابعاد مختلف تأمین می‌کند (کتابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). این بندر دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و افغانستان را به آب‌های عمیق و زمینه انتقال کالاهای مصرفی از این کشورها به بازارهای جهانی را فراهم می‌کند. در این راستا دو کشور با توسعه آن اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. پاکستان با توسعه این بندر در پی توسعه منطقه‌ای و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در ایالت بلوچستان، خارج کردن فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پاکستان از انحصار بندر کراچی، استفاده نظامی و امنیتی این بندر، فراهم کردن زمینه‌های ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی و توسعه روابط تجاری و اقتصادی با ایران است و چین در پی اتصال مناطق غربی چین به بازارهای جهانی، ایجاد مرکزی تجاری-اقتصادی اختصاصی در منطقه خلیج فارس و فراهم کردن زمینه‌های حضور نظامی خود در دهانه منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس است (گروه رصد، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۶). این بندر می‌تواند گزینه مناسبی برای تحت فشار

گذاشتن هند از سوی چین و پاکستان باشد. بدین صورت که قدرت اقتصادی، نظامی و امنیتی چین و پاکستان در راستای این همکاری، گسترش پیدا کرده و دو کشور را در صورت جنگ احتمالی با هند و متحدانش در آینده مجهزتر می‌کند.

۳-۲-۳- تقویت همکاری‌های نظامی-امنیتی

همکاری‌های نظامی-امنیتی چین و پاکستان در راستای عواملی از قبیل مقابله با تهدید مشترک (هند)، تهدید تروریسم صورت می‌گیرد. پاکستان برای چین در راستای مدیریت رقابت خود با هند، ابزار سیاست خارجی برای مهار و مدیریت رقابت با هند بوده است؛ به عبارت دیگر، چین یک پاکستان قدرتمند و حتی مسلح به سلاح‌های اتمی را برای حفظ توازن قدرت در برابر هند و استفاده از بازدارندگی هسته‌ای پاکستان برای تغییر معادلات امنیتی به سود خویش حیاتی می‌داند. از طرف دیگر، چین با مشکلاتی از قبیل تهدید تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در منطقه سین‌کیانگ مواجه است و این تهدیدها امنیت ملی این کشور را به ژئوپلیتیک امنیت منطقه جنوب آسیا پیوند می‌دهد (محروق، ۱۳۹۵: ۲۶). چینی‌ها با پاکستان در بخش هواپیماسازی و تانک‌سازی مربوط به ارتش همکاری‌های گسترده‌ای دارند. همچنین گفته می‌شود که تکنولوژی هسته‌ای پاکستان تا حد زیادی با کمک‌های چین توسعه پیدا کرده و به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده است (ملازهی، ۱۳۹۳).

در این راستا دو کشور همکاری‌های نظامی را نیز در کنار همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در پیش گرفته‌اند. بعد از مرگ اسامه بن لادن، چین ۵۰ جت جنگی JF-17 را به پاکستان گسیل کرد و به این کشور در جهت ساخت اولین ناو جنگی کمک کرد و در آگوست ۲۰۱۱ یک ماهواره اطلاعاتی برای پاکستان راه‌اندازی کرد. از دیدگاه چین، هدف این کشور از کمک نظامی به اسلام‌آباد، افزایش امنیت مرزهای چین است (Kabraji, 2012: 8-9). از طرف دیگر، دو کشور چین و پاکستان، توافقاتی برای ایجاد پایگاه نظامی حیوانی انجام داده‌اند. این پایگاه که در مجاورت بندر گوادر ساخته خواهد شد، در کنار افزایش مؤثر ظرفیت اعمال قدرت دریایی چین در حوزه تلاقی دریای عمان و اقیانوس هند، در مقابله با نفوذ دریایی ایالات متحده و ناوگان روبه‌رشد دریایی هند، به تحکیم بیش از پیش اتحاد پاکستان و چین منجر می‌شود که مؤلفه‌ای کلیدی در رقابت قدرت در منطقه جنوب آسیا محسوب می‌شود (بهرامی مقدم، ۱۳۹۶). در واقع

چین با تأسیس این پایگاه منجر به نظامی‌شدن هرچه بیشتر پاکستان و افزایش رقابت هند و چین و نگرانی بیشتر هند و در نتیجه نزدیکی بیشتر هند به ایالات متحده می‌شود (Rajagopalan, 2018). همچنین از نظر امنیتی، چین نوعی نگرانی از قومیت مسلمان اویغور در ایالت سین‌کیانگ (که مدعی استقلال سین‌کیانگ با عنوان تأسیس کشور ترکستان شرقی است) دارد. یک گروه از این قومیت با القاعده با نام جبهه آزادی‌بخش یا نهضت اسلامی شرقی در منطقه وزیرستان شمالی پیوند خورده است. چینی‌ها همواره نگرانند که گروه‌های رادیکال اسلامی که به شکل زیرمجموعه سازمان القاعده در آسیای مرکزی و در ایالت سین‌کیانگ هستند از پاکستان ریشه گیرند و حمایت شوند. (ملازهی، ۱۳۹۳).

۳-۲-۵- گسترش روابط سیاسی

چین و پاکستان از دیرباز روابط حسنه‌ای داشته‌اند. مواضع یکسان دو کشور در برابر هند و ایالات متحده دو کشور را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. در سال ۱۹۵۶ هند برای تصاحب کشمیر یک جنگ تمام‌عیار علیه پاکستان آغاز کرد. پاکستان که به دنبال متحدانی برای دفاع از خود بود، توانست به کمک چین از مرزهایش دفاع کند و بخش‌هایی از کشمیر را نیز بازپس گیرد. از آن زمان روابط چین و پاکستان گسترش پیدا کرد. در سال ۱۹۶۵ آمریکا فروش سلاح به پاکستان را تحریم کرد و پاکستان بیش از پیش به چین گرایش پیدا کرد. به تدریج پاکستان و چین به صورت دو متحد سیاسی استراتژیک درآمدند (عسگری نقوی، ۱۳۹۵). در نهایت می‌توان گفت چین در جهت رسیدن به اهداف خود در پی گسترش روابط با افغانستان و پاکستان بوده و نفوذ هرچه بیشتر آن در این کشورها، منجر به احساس تهدید هند در قبال چین و واکنش از سوی دهلی‌نوشده است. در ادامه، واکنش هند در قبال تحرکات چین، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴- واکنش هند در قبال نفوذ چین در جنوب آسیا

هند از جمله کشورهایی است که به دلیل رقابت با چین بیشترین تأثیر را از قدرت‌گرفتن چین در منطقه می‌پذیرد. در این راستا هند در مقابل رشد این کشور تلاش کرده تا روابط خود را با کشورهای مختلف در راستای سیاست‌های نگاه به شرق، نگاه به غرب، نگاه به شمال و روابط با آمریکا، گسترش دهد.

سیاست نگاه به شرق هند که از اوایل دهه ۱۹۹۰ و در دوره نخست‌وزیری ناراسیمها رائو مطرح شد، جنوب شرقی آسیا و دولت‌های آ.سه.آن را هدف گرفته است. در این راستا توافق همکاری جامع هند و سنگاپور، توافق تجارت آزاد هند با تایلند و پیمان تجارت آزاد با مالزی و توافقات مشابه آن با اندونزی از جمله دستاوردهای سیاست نگاه به شرق برای هند است. در حوزه امنیتی نیز همکاری و توافقات در زمینه فروش تسلیحات نظامی و دفاعی به لائوس، مالزی، سنگاپور و ویتنام را می‌توان مورد توجه قرار داد. در رابطه با میانمار نیز، به دلیل نفوذ چشمگیر چین و پاکستان در آن که منجر به نگرانی هند شده، دهلی‌نو مبادرت به همکاری‌های امنیتی با میانمار کرده است (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۶).

دومین تغییر در سیاست خارجی هند، سیاست نگاه به غرب این کشور بعد از جنگ سرد است. این سیاست شامل دولت‌های خاورمیانه و شمال شرقی آفریقا می‌شود. در راستای این همکاری‌ها، عربستان ۲۵ درصد و عمان و امارات دیگر تأمین‌کننده‌های نفت هند هستند (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸). همچنین، توافق هند و عمان که باعث دسترسی این کشور به بندر دوqm و در نهایت دستیابی به دریای سرخ و خلیج عدن می‌شود و برای هند امکان برپایی عملیات‌های بلندمدت در جنوب اقیانوس هند را فراهم می‌کند، نشان دهنده این است که هند در تلاش برای توسعه نیروی دریایی خود بوده و اقدام به همکاری‌های اقتصادی و نظامی کرده است (Crowther, 2018). عمان برای هند از لحاظ جغرافیایی و تاریخی یک شریک استراتژیک محسوب می‌شود. نماینده عمان در دیدار اخیر در هند در سال ۲۰۱۸، استفاده نظامی و پشتیبانی لجستیکی از بندر کلیدی دوqm را برای هند فراهم کرد. این بندر برای حفاظت کشتی‌های دریایی هند و تعمیر و سوخت‌گیری در دسترس خواهد بود که منجر به تقویت حضور هند در منطقه اقیانوس هند می‌شود؛ به علاوه، نه تنها این بندر منافع نظامی برای این کشور داشته، بلکه اهمیت سیاسی نیز دارد. در واقع این بندر برگ برنده‌ای برای دهلی‌نو در جهت کنترل نفوذ چین در منطقه از طریق بندر گوادر در پاکستان است (Panda, 2018).

اسرائیل یکی دیگر از گزینه‌های هند است که روابط دو کشور همواره روبه‌گسترش بوده است. این کشور همچنان جزو اصلی‌ترین منابع تأمین تسلیحاتی هند محسوب می‌شود و پس از ایالات متحده، روسیه، سومین صادرکننده تسلیحات به هند است. همکاری‌های نظامی و بازرگانی همچنین با گسترش روابط سیاسی همراه است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۶: ۲۴۶-۲۴۲). در واقع

می‌توان گفت منافع ملی هند و مقابله با تهدید چین باعث شده که هند این سیاست را در قبال کشورهای خاورمیانه در پیش گیرد.

هند همچنین در راستای سیاست **نگاه به شمال** در تلاش برای افزایش همکاری‌ها با کشورهای افغانستان، پاکستان و دولت‌های آسیای مرکزی است. در راستای ارتباط دهلی‌نو با افغانستان در طول دهه گذشته، هند در مواجهه با طالبان از حکومت مرکزی افغانستان حمایت کرده و در طرح‌های مختلف اقتصادی، در بخش‌های انرژی و مبارزه با مواد مخدر و تروریسم در افغانستان با حکومت مرکزی همکاری دارد (سیمیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵). در حالت کلی منافع هند از گسترش روابط با افغانستان را می‌توان اینگونه بیان کرد:

- تحدید نفوذ پاکستان به‌عنوان یک رقیب در آسیای جنوبی و افغانستان؛
- مهار افراط‌گرایی و تروریسم؛
- کارکرد پل مانند افغانستان در دستیابی به آسیای مرکزی؛
- گسترش نفوذ منطقه‌ای؛
- تقویت سیستم امنیتی هند محور در آسیای جنوبی با واردکردن افغانستان (و ثوقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۶۰).

از طرفی با توجه به اینکه حجم تجارت گسترده چین با آسیای مرکزی تا سال ۲۰۱۵، بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار شده، درحالی‌که تجارت هند با آسیای مرکزی در همان سال معادل ۲ میلیارد دلار بوده (پورا احمدی میبیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷)، این امر منجر به حساسیت هند شده و درصدد برقراری ارتباط بیشتر با کشورهای این منطقه بوده است. درواقع می‌توان گفت نگرانی هند از قدرت‌یابی چین یکی از عواملی است که منجر به افزایش همکاری با کشورهای متعدد شده است. **رابطه با آمریکا** دیگر گزینه هند برای جلوگیری از تهدید چین محسوب می‌شود. در همین راستا هند در سطح کلان در تلاش است تا با شکل‌دهی به ائتلاف‌های موازنه‌کننده، نفوذ روزافزون چین را مهار کند. نقطه اوج ائتلاف هند و آمریکا، قرارداد هسته‌ای هند و آمریکا بود، قراردادی که در قالب آن ایالات متحده امتیاز استراتژیکی به هند داد و این دولت غیرعضو معاهده منع تکثیر را به‌عنوان قدرت هسته‌ای پذیرفت. مهم‌ترین دلیلی که آمریکا را وادار به اعطای این امتیاز به هند کرد، بی‌شک قابلیت و خواست ایالات متحده در شکل‌دهی به نوعی موازنه در قبال چین است؛ امری که ایالات متحده در آن منافع استراتژیکی دارد (محمودی بورنگ، ۱۳۹۳: ۷۴). درواقع رشد

چین یکی از عواملی بوده که منجر به احساس تهدید مشترک بین هند و آمریکا و اتخاذ راهبرد دنباله‌روی از واشنگتن از سوی دهلی نو شده است.

همکاری با ایران نیز گزینه دیگر هند در جهت موازنه در برابر چین و رسیدن به منافع خود بوده است. در دوره نارسیمها رائو، «بیانیه دهلی» و یادداشت تفاهم «نقشه راه همکاری‌های استراتژیک» چارچوب‌های سیاسی و حقوقی اولیه را برای همکاری‌های بلندمدت و پایدار میان دو طرف فراهم آورد. روابط ایران و هند تا پیش از اوج گرفتن تحریم‌های هسته‌ای بر ضد ایران، به گونه مثبت و سازنده بود که برخی از آن به‌عنوان «اتحاد ایران و هند» یاد کردند (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۵)؛ اما بعدها رأی هند علیه ایران و رأی ممتنع در مورد قطعنامه‌های حقوق بشر، هرچند تا حدی نشان‌دهنده استقلال عمل هند بوده، در واقع اثبات‌کننده رأی‌های ترجیحی هند در قبال ایران بوده است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۷۴). در حالت کلی روابط هند و ایران تا حدود زیادی متأثر از روابط خود با ایالات متحده بوده است. به‌ویژه بعد از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌ها که روابط هند و ایران را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است. هرچند واشنگتن در این خصوص با توجه به مذاکرات و بنا بر شروطی از قبیل به صفر رساندن واردات هند از ایران، معافیت‌هایی برای این کشور در نظر گرفته (Morrison, 2018)؛ اما می‌توان گفت روابط دهلی نو و ایران تحت الشعاع سایه آمریکا قرار گرفته است. همچنین بعد از اعمال تحریم‌ها، شرکت هندی «ریلینس ایندستریز» واردات از ایران را متوقف کرد و واردات از کشورهای دیگر را جایگزین ایران کرده است (Mukherjee, 2017). با این وجود همکاری در حوزه‌های دیگر همچنان تداوم دارد؛ برای مثال برای هند حضور و مشارکت در طرح‌های صنعتی و ارتباطی بندر چابهار مزیتی راهبردی محسوب می‌شود. از طریق این بندر، دسترسی هند به آسیای میانه و افغانستان تسهیل شده و در رقابت با چین که در توسعه بندر گوادر پاکستان مشارکت دارد، هند می‌تواند از طریق گسترش همکاری‌هایش در توسعه بندر چابهار حوزه نفوذش را در رقابت با چین و پاکستان در کرانه‌های دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دهد (نیاکوئی و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۸). در واقع هند از طریق این بندر می‌تواند از طریق دورزدن پاکستان، به آسیای میانه و افغانستان برسد (World Maritime News, 2018). همچنین ایالات متحده نقل و انتقال کالاهایی که شامل تحریم‌ها نیستند و همچنین توسعه بندر را در اختیار هند قرار داده است. از طرف دیگر، دولت هند در بودجه سال ۲۰۱۹ خود ۱/۵ میلیارد روپیه (۲۱ میلیون دلار آمریکا) برای توسعه این بندر

در نظر گرفته است (Tehran Times, 2019). اگرچه در هفته‌های اخیر اخباری در خصوص توافق ۲۵ ساله ایران و چین و خارج کردن هند از پروژه چابهار به گوش رسیده، اما هند همچنان در پی زنده‌نگاه‌داشتن این پروژه بوده و مقامات دو کشور با یکدیگر دیدار کردند. در واقع هند از نزدیکی هر چه بیشتر رقبای خود - چین و پاکستان - به ایران احساس نگرانی کرده و در تلاش است تا همکاری با ایران در خصوص این بندر را از دست ندهد.

همچنین در رابطه با منطقه اقیانوس هند، می‌توان گفت با افزایش روزافزون اهمیت این منطقه و حضور و گسترش قابلیت‌های نظامی و اقتصادی کشورها در آن، افزایش همکاری‌ها و در مجموع رقابت قدرت‌های نوظهور، همگی منجر به برجسته‌شدن نقش این منطقه شده و در واقع نقش این منطقه در تأمین انرژی، تنگه‌های پرتردد، بازار مصرفی انبوه و وجود قدرت‌های با رشد اقتصادی بالا منجر به اهمیت روزافزون آن برای چین شده است. چین با استفاده از این منطقه در صدد است با به‌کارگیری پروژه‌های اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی خود را گسترش داده و امکان حضور دائمی در منطقه را برای خود فراهم آورد که این امر همواره موجب نگرانی هند بوده و می‌توان گفت نفوذ چین در مناطق مختلف اطراف هند، نوعی محاصره از سوی هند تلقی شده و در قبال آن روی به سوی همکاری با کشورهای مختلف آورده است که در آینده نیز به نظر می‌رسد همکاری‌ها بیشتر شود.

۵- نتیجه

چین و هند با وجود تلاش برای برقراری صلح و رقابت بدون تنش، به دلیل نیازهای داخلی و تلاش برای دستیابی به منافع خود، در برقراری روابط مؤثر و بدون تنش با دشواری مواجه بوده‌اند. چین به‌عنوان کشوری در حال رشد، در پی رسیدن به منافع و اهداف خود، به‌طور گسترده آغاز به برقراری ارتباط و سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف کرده است. یکی از این کشورها افغانستان است که در سه حوزه اقتصادی، امنیتی-نظامی و سیاسی، اقدام به همکاری کرده‌اند. از طرف دیگر، چین از دیرباز با پاکستان ارتباط گسترده‌ای داشته است. کریدور اقتصادی که ارتباط میان کمربند اقتصادی جاده ابریشم زمینی و دریایی را فراهم کرده و منجر به رشد اقتصادی دو کشور و مناطق مختلف می‌شود، نمونه‌ای از همکاری‌های اقتصادی دو کشور است. هند در مقابل روابط گسترده چین با پاکستان (که رقیب این کشور بوده) و افغانستان، احساس تهدید کرده و در جهت ارتباط مؤثرتر با کشورهای اذقیبیل ایران، آمریکا، افغانستان و کشورهای

دیگر جنوب آسیا برآمده است. هند در راستای سیاست نگاه به شرق، با دولت‌های آ.سه.آن و جنوب شرق آسیا، شامل: کشورهای اندونزی، برمه، مالزی، تایلند، سنگاپور، لائوس، کامبوج و میانمار، در راستای سیاست نگاه به غرب با کشورهای خاورمیانه و شمال شرق آفریقا از قبیل: عربستان، عمان، امارات، اسرائیل و ایران و در راستای سیاست نگاه به شمال نیز با کشورهای افغانستان و دولت‌های آسیای مرکزی همکاری‌هایی را در پیش گرفته است؛ علاوه بر این، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، هند با آمریکا ارتباط مؤثر برقرار کرد. به عبارتی تهدید مشترک چین، عامل تأثیرگذار در نزدیکی دو کشور بوده و واشنگتن هند را قدرتی متوازن کننده علیه چین تلقی کرده و هند نیز با دنباله‌روی از این کشور در جهت رسیدن به اهداف خود و توازن چین تلاش می‌کند. ایران نیز گزینه دیگری در همکاری‌های هند با کشورهاست. پروژه چابهار عاملی کلیدی در رشد اقتصادی هند و توازن در برابر پروژه گوادر چین در پاکستان است. هرچند بعد از اعمال تحریم‌ها علیه ایران از سوی آمریکا، هند واردات انرژی را از ایران کاهش داده، اما پروژه چابهار شامل تحریم‌ها نبوده و می‌تواند عاملی بر گسترش روابط دو کشور باشد. در نتیجه می‌توان گفت احساس تهدید از جانب چین منجر به واکنش هند در جهت برقراری ارتباط مؤثر با بازیگران مختلف و متوازن‌سازی قدرت آن شده است.

۷- منابع

۱. باقری چوکامی، سیامک؛ محمدی الموتی، محسن، ریشه‌های مناقشه آمریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با تأکید بر تئوری موازنه تهدید. پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱۱-۱۳۷، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع): پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۲. بهرامی مقدم، سجاد، چشم‌انداز پایگاه نظامی چین در پاکستان. بازیابی در ۲۰۱۹، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/fa> 1396، ۲۱ اسفند.
۳. پوراحمدی میدی، حسین؛ قوام، عبدالعلی؛ خانی جوی‌آباد، محمود، اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۳، شماره ۹۸، صص ۱-۳۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تابستان ۱۳۹۶.

۴. تقی‌زاده انصاری، محمد. تحول سیاست خاورمیانه‌ای هند در پرتو استراتژی نگاه به غرب. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۲۳-۲۵۲، انجمن مطالعات جهان اسلام: بهار ۱۳۹۶.
۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ نوری، وحید، تحلیلی بر تعاملات جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس (۱۳۸۴-۱۳۹۱). فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۵، صص ۱۰-۵۱، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل: پاییز ۱۳۹۱.
۶. رضائی بونش، فرزاد، انگیزه‌های چین از مشارکت در روند صلح در افغانستان. بازیابی از خراسان زمین: 1394. <http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=3342>.
۷. سبجانی، مهدی، رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند. فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۶۵۶-۶۷۶، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی: پاییز ۱۳۸۹.
۸. سلطانی‌نژاد، محمد، روابط ایران و هند: تحلیلی بر یک مشارکت استراتژیک ناتمام. فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۱، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مجمع تشخیص مصلحت نظام: تابستان ۱۳۹۵.
۹. سیمبر، رضا؛ بهرامی‌مقدم، سجاد؛ زیبایی، مهدی، سیاست خارجی هند (جلد اول). رشت: انتشارات دانشگاه گیلان. ۱۳۹۴.
۱۰. شفیعی، نوذر. پکن نگرانی‌های امنیتی دارد یا منافع اقتصادی؟ نقش جدید چین در افغانستان. بازیابی از دیپلماسی ایرانی: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1952478/> 1394، مهر ۱۰.
۱۱. شفیعی، نوذر؛ صالحی دولت‌آباد، روح‌اله، تبیین دیپلماسی جدید همسایگی چین نسبت به افغانستان. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۴، صص ۷۱-۱۰۲، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تابستان ۱۳۹۵.
۱۲. شیرشهر، علی؛ کوشان، عزیز، چین در افغانستان؛ از نگاه اقتصادی تا ورود امنیتی. بازیابی از خبرنامه: <http://khabarnama.net/blog/2016/05/19/afghan-china-security-relations/> 1395.

۱۳. عباسی، مجید؛ حبیبی، سید مهدی؛ پارسا، سارا، نظریه موازنه تهدید: دلایل ساختاری شکل‌گیری و گسترش اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی در خاورمیانه. رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۴، صص ۱۱۵-۱۳۶. عبدالمطلب عبدالله: پاییز ۱۳۹۲.
۱۴. عسکری نقوی، سباس، چرا نفوذ در پاکستان برای چین این قدر مهم است؟ بازیابی از خبرگزاری فارس: <https://www.farsnews.com/news/1395>.
۱۵. کتابی، محمود؛ دهقان، یدالله؛ دهقان نصیری، سارا، تبیین روابط استراتژیک چین و پاکستان. فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۷-۴۰، دانشگاه گیلان: بهار ۱۳۹۵.
۱۶. گروه رصد، تجزیه و تحلیل روابط چین و پاکستان. تهران: اندیشکده راهبردی تبیین. ۱۳۹۴.
۱۷. محروق، فاطمه، همکاری نظامی چین و پاکستان. فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۵-۲۸، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مجمع تشخیص مصلحت نظام: بهار ۱۳۹۵.
۱۸. محمودی بورنگ، فاطمه، راهبرد امنیتی چین در قبال آمریکا در نظم جهانی آمریکایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان. ۱۳۹۳.
۱۹. ملازهی، پیرمحمد، دامنه همکاری‌های چین با پاکستان. بازیابی از مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/fa/1393>.
۲۰. ناظری، مسیح، افزایش همکاری‌های افغانستان و چین با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی. بازیابی از مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/fa/1396>.
۲۱. نوروزی، مجتبی، بسترهای گسترش حضور چین در افغانستان. بازیابی از مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/1395>.
۲۲. نیاکوئی، امیر؛ بهرامی‌مقدم، سجاد، روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها. فصلنامه روابط خارجی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۶۰، پژوهشکده تحقیقات راهبردی وابسته به مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: بهار ۱۳۹۳.
۲۳. وثوقی، سعید؛ فلاحی، احسان؛ حیدری، قربانعلی، تبیین جایگاه افغانستان به‌عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۰، شماره ۸۷، صص ۱۵۰-۱۷۷، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی: پاییز ۱۳۹۳.

24. Chabahar Port Development Exempted from US Sanctions. Retrieved Feb 8, 2019, from World Maritime News:
<https://worldmaritimeneews.com/archives/264394/chabahar-port-development-exempted-from-us-sanctions/2018>, November 9
25. Crowther, Stephen. Once Oman a Time: A Tale of India Escaping China's "String of Pearls"? Retrieved February 3, 2019, from Institute for Security & Development Policy: <http://isdip.eu/oman-china-india-vying-for-influence/> 2018, 5 14.
26. India's 2019 budget allocates \$21m to invest in Chabahar development. Retrieved Feb 8, 2019, from Tehran Times:
<https://www.tehrantimes.com/news/432642/India-s-2019-budget-allocates-21m-to-invest-in-Chabahar-development>. 2019, February 3.
27. Kabraji, Rosheen. The China-Pakistan Alliance: Rhetoric and Limitations. Asia Programme Paper ASP 1-29. 2012.
28. Khan, Raja Muhammad. China's Economic and Strategic Interests in Afghanistan FWU Journal of Social Sciences, Special Issue, Vol.1, No.1. 2015.
29. Morrison, Catlin. Trump grants India waiver from Iran oil sanctions, report says. Retrieved 2 5, 2019, from Independent:
<https://www.independent.co.uk/news/business/news/trump-us-sanctions-iran-india-oil-price-crude-economy-nuclear-deal-exempt-waiver-a8612031.html>. 2018, November 1.
30. Mukherjee, Promit. India's Reliance Industries halts Iranian oil imports. Retrieved February 4, 2019, from Reuters. 2017, January 16.
31. Mustaf, Sadaf, Ammad, Zafar, China Pakistan Economic Corridor: Importance and Pakistan International Journal of Social Science and Economic Research, Volume:02, Issue:11 5059-5068. 2017.
32. Panda, Ankit. India Gains Access to Oman's Duqm Port, Putting the Indian Ocean Geopolitical Contest in the Spotlight. Retrieved March 3, 2019, from The Diplomat: <https://thediplomat.com/2018/02/india-gains-access-to-omans-duqm-port-putting-the-indian-ocean-geopolitical-contest-in-the-spotlight/> 2018, February 1.
33. Rajagopalan, Rajeswari. A New China Military Base in Pakistan? Retrieved March 3, 2019, from The Diplomat: <https://thediplomat.com/2018/02/a-new-china-military-base-in-pakistan/> 2018, February 9.
34. Tahiri, Noor Rahman. Afghanistan and China Trade Relationship. Munich Personal RePEc Archive 1-28. 2017.